

وداع

نویسنده: جان مک گاهرن

مترجم: علی شبعه عالی



McGahern, John

مشخصات نشر: تهران: نوای مکتوب، ۱۳۹۷.

مشخصات ظاهری: ۲۰۰ ص. ۱۴/۵x۲۱/۵ س.م.

شماره: ۹۷۸-۶۰۰-۸۹۵۸-۰۳-۱

وضعیت فهرست نویسی: فیا

بادداشت: عنوان اصلی: The leavetaking.

موضوع: داستان‌های ایرلندی — قرن ۲۰م.

20th century -- Irish fiction موضوع

شماره افزوده: شیعه علی، علی، ۱۳۶۳ - مترجم

ردہ بندی کنگ: PR

رد بجلي و صعي: ۱۲۱۷، ۸۲۳/۹۱۴م

شماره کی شناسی ما ۵۲۶۰۸۵۱

نام کتاب: وداع

نویسنده: جان مک باہرن

مترجم: علی شیعہ علی

نوبت چاپ: اول / ۱۳۹۹

تیراڑ: ۲۰۰ نسخہ

شماره: ۹۷۸-۶۰۰-۸۹۵۸-۰۳-۱

طراح جلد: محسن سعیدی

ناظر فنی: سید یاشار بنی ہاشمی خامنہ



کلیه حقوق این اثر برای ناشر محفوظ است.

تلفن: ۰۲۱-۶۶۴۷۹۴۱۵

قیمت: ۴۰۰۰ تومان

پیشگفتار نه سنده به ریرایش دوم کتاب

وداع یک داستان ایقانه است که در دو بخش و عامدانه با دو سبک متفاوت نوشته شد. تلاشی بود برای ازتاباندن احساسات نابی که "من"، منی که در ذهن داریم و به یاد می‌آیم، به دل جانمان می‌آورد، چه پیش پا افتاده باشد و چه ارزشمند، چه فرقی دارد؟ و البته چیزی که مهم‌تر از این من است... آن دیگری... آن دل‌دار... آن که ارزشمندترین لحظات زندگی با او رقم خورده است. این لحظات اغلب در قالب گزاشته‌های بی‌روح و بی‌ارزش نگاشته و یا به یاد آورده می‌شود. در این رمان تلاش بر این بوده است که دریافته شود آیا می‌توان این لحظات ساده با هم بودن و احساسات ناب را به بیان درآورد و اما از آن قالب گزارش‌گونه صرف هم خارج شد.

داستان‌های کوتاه اغلب پس از اولین انتشارشان بارها و بارها بازبینی می‌شوند. رمان‌ها اما بسیار به‌ندرت چنین اقبالی می‌یابند. این آشکارا دلیل بلندی آن‌ها، جنبه اقتصادی انتشار کتاب، عدم اقبال نشریات و مجموعه‌های داستانی و یا حتی شاید عرف باشد؛ البته که من هم باور دارم باید چنین باشد و این که اصلاً بخشی از جذابیت رمان هم همین مسئله است. رمان باید روی پاهای خودش بایستد، یا اوج بگیرد و یا سقوط کند. هر یک از داستان‌های کوتاه در یک مجموعه داستان می‌تواند بر تنوع و تفاوت‌های دیگر داستان‌های

آن مجموعه تکیه کند و ضعف‌های احتمالی‌اش را زیر سایه آن‌ها پنهان کند و یا از قوت آن‌ها بهرمنده شود.

این‌که بخش دوم این ویرایش از وداع تغییر و تحول پیدا کرد و بازنویسی شد، تا اندازه‌ای اتفاقی بود. سال‌ها پس از انتشار چاپ اولش، ناگهان دیدم همراه با مترجم فرانسوی کتاب، آلن دولای مشغول بازنویسی‌اش هستم. هرچه بیشتر آن را بررسی می‌کردم، بیشتر به این نتیجه می‌رسیدم که باید تغییر کند. خامی و ناپختگی‌اش در تصویرسازی‌ها، محبوس کردن ماجرای عاشقانه در گزارش بی‌روح و سرد، اصلاً انگار قلمم رنگ خودنمایی به خود گرفته بود. بیشتر از حد به "ایده" نزدیک شده بودم و اثرم فاصله لازم با آن را حفظ نکرد بود، آن تشریف و قالب برازنده‌ای را نداشت که هر اثر ادبی لزوماً باید از آن بهره‌مند باشد.

با این حال آن‌ها به من توان با قطعیت گفت این است که این اقبال برای بازنویسی دوباره، سبب نباشد. باید همان بار اول به شکل صحیح نوشته می‌شد. اما آن‌چه نمی‌راند، قطعی و بدین گفت این است که آیا حالا در وضعیت فعلی، شکلی صحیح‌تر است یا خیر. این را باید از خوانندگان اثر پرسید، که داوری ایشان بهترین است.

ج.م.گ

آگوست ۱۹۸۳